

# کارآیی اصلاحات اقتصادی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

سکینه ببری گنبد<sup>(۱)</sup>

## چکیده

۱۴۵

در آغاز هزاره سوم تحولات و رویدادهای مهم بین‌المللی، تأثیرات عمده‌ای بر نقاط مختلف جهان داشته است. در این میان مناطقی که پیوندگاه اقتصاد و امنیت جهانی محسوب می‌شوند، اهمیتی دوچندان دارند. منطقه خلیج فارس یکی از این مناطق است که از روند تحولات جهانی متأثر و دگرگونی داخلی آن هنجارساز نظام بین‌الملل می‌گردد. تحولات ناشی از روند جهانی شدن در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنها را به سوی گسترش روابط اقتصادی و فرهنگی با غرب کشانده است. شورای همکاری خلیج فارس که همگرایی نخستین خود را با هدف کسب منافع اقتصادی و امنیتی مشترک آغاز کرده بود، در ده سال اخیر برای تأثیرگذاری بر روندهای سیاسی و مالی منطقه به جریان اصلاحات اقتصادی پیوسته است. دولت‌های رانتیر منطقه می‌کوشند با بهره‌برداری از تجارب کشورهای توسعه یافته، اقتصاد تولید محور را جایگزین اقتصاد نفتی کنند. هدف از این مقاله میزان سنجی کارآمدی و ناکارآمدی برنامه‌های اصلاحات اقتصادی کشورهای GCC است. از آنجا که برخی کشورهای این منطقه از رشد اقتصادی بالایی بهره‌مند هستند اما توسعه آنها هنوز با موانع جدی مواجه است، در این مقاله تلاش شده است با اشاره به برخی شاخص‌های جهانی به شرح این موضوع پرداخته شود.

**کلید واژه‌ها:** شورای همکاری خلیج فارس، اصلاحات اقتصادی، دولت رانتیر و سهمیه‌گرا، میزان کسب و کار و رقابت‌پذیری جهانی

۱. سکینه ببری گنبد، دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد، علوم تحقیقات اصفهان

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی، سال دوازدهم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۶۰-۱۴۳

منطقه خاورمیانه در طول تاریخ معاصر خود فراز و نشیب‌های مختلفی را طی کرده است. کشورهای حوزه خلیج فارس با تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری‌ها کوشیده‌اند در معادلات امنیت منطقه تأثیرگذار باشند. روند جهانی شدن و وابستگی متقابل کشورها به یکدیگر سیمای منطقه‌گرایی را در این حوزه نمایان ساخت.

محور اصلی طرح‌های همگرایی اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس این نکته است که منابع نفتی دائمی نیستند و اقتصادهای منطقه برای تداوم رشد خود در دراز مدت باید متنوع شوند. دو ایده امنیت رژیم و عمل‌گرایی انعکاسی از اهداف شورای همکاری خلیج فارس هستند.

اساسنامه شورای همکاری خلیج فارس که در اولین نشست شش دولت در سال ۱۹۸۱ شکل گرفت، این دو ایده را مطرح ساخت. دو ماده نخست این منشور به نظام‌های سیاسی مشابه اعضا اشاره دارد و این نظام‌ها را به عنوان مبنای تمایز دولت‌های عضو و غیر عضو معرفی می‌کند.

ماده ۴ این اساسنامه، چهار هدف عمده را بیان می‌کند: ارتقا همکاری بین دولت‌های عضو، ارتقا همکاری بین جوامع دولت‌های عضو، ایجاد نظام‌های مشترک در حوزه‌هایی مانند اقتصاد، تعلیم و تربیت، فرهنگ و فراهم آوردن زمینه‌های همکاری‌های فنی.<sup>۱</sup>

در نوامبر ۱۹۸۱ شورای همکاری خلیج فارس بالندگی و پیشرفت دامنه همکاری‌های خود را طی موافقت‌نامه اقتصادی واحد<sup>(۱)</sup> مشخص کرد. این موافقت‌نامه خواستار تجارت آزاد در زمینه مبادله تمامی محصولات کشاورزی، صنعتی و طبیعی تولید شده در درون شورای همکاری خلیج فارس و همچنین سیستم گمرکی مشترک شد. بازاری که بتواند با ایجاد تنوع اقتصادی و رقابت، زمینه را برای کارآیی بیشتر فراهم سازد.<sup>۲</sup>

برنامه‌های آزاد سازی اقتصادی در میان کشورهای خلیج فارس در دهه آخر قرن بیستم چندان موفق عمل نکرد، چرا که بسیار انفرادی و پراکنده عمل می‌کرد. اما با ورود

1. United Economic Agreement (UEA)

به عصر جدید و پیوستگی اقتصاد این کشورها با اقتصاد بین‌الملل، برنامه‌های اصلاحات در صدر طرح‌های دولت‌ها قرار گرفت. اما آشکارترین نکته در اصلاحات ساختار اقتصادی، کاهش دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد. در حالیکه کشورهای حوزه خلیج فارس با حفظ وابستگی مطلق به نفت به دنبال رشد اقتصادی بالا و توسعه اقتصادی بودند. کشورهای این منطقه برای رسیدن به استانداردهای جهانی و بهره‌وری بالاتر باید از توسعه یک وجهی دوری ورزند. تحولات اخیر خاورمیانه و موج نارضایتی‌های اجتماعی در برخی کشورهای خلیج فارس که از رفاه عمومی متوسطی برخوردار بوده اند، نشان از شکست برنامه‌های رشد محور است. سوال اصلی این مقاله آن است که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای پیوستن به اقتصاد بازار چه اقداماتی را باید انجام دهند تا به رشد و توسعه اقتصادی برسند؟ برای پاسخ به این سوال ابتدا وضعیت وابستگی آنها به نفت و ساختار دولت رانتیر را شرح داده و از دل آن پاسخ اصلی یعنی دستیابی به اقتصاد تولید محور طرح می‌شود. دبی بعنوان یکی از بخش‌های این منطقه نمونه بارزی از بهره‌مندی از این اقتصاد بوده که نتایج قابل توجهی را نیز کسب کرده است.

از همین رو به برنامه‌های اصلاحات اقتصادی در این منطقه و دو عامل میزان کسب و کار و رقابت‌پذیری این کشورها اشاره می‌شود، سپس به بررسی میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورهای می‌پردازیم و در پایان نتیجه‌گیری بحث خواهد آمد.

### اقتصاد رانتیر و دولت سهمیه‌گرا

هر گاه درآمدهای نفتی به حدی برسد که دولت استخراج‌کننده به دولت توزیع‌کننده مبدل شود و حجم عظیمی از ظرفیت عملی دولت صرف امر توزیع شود، آن دولت رانتیر است.<sup>۳</sup> بر این اساس دولتی که بخش عمده‌ای از درآمدها از مالیات است، زمان بیشتری برای تعامل مورد نظر با جامعه دارد اما یک دولت توزیع‌کننده، صرفاً به دنبال توزیع سهام نفتی به گروه‌های اجتماعی خاص است.

طبق نظریه دولت رانتیر از آنجا که زمامداران دولت نیازی به استخراج درآمد ندارند،

از نمایندگی کردن جامعه بی‌نیاز می‌شوند. در این شرایط روابط دوسویه و چند منظوره میان زمامداران و مردم، حتی اگر شکل بگیرد، ضعیف خواهد بود.

برای مثال در نخستین دوره رونق درآمدهای نفتی در عربستان، تشریفات بوروکراسی مالیاتی در این کشور از کار افتاد. کرین چودری با مطالعه دفاتر مسئول مالیات‌گیری در دولت عربستان در سطح تحلیل خرد، تلاش کرد دیدگاه کلی‌تری را درباره زوال توانایی دولت در این شرایط ارائه دهد. در خلال دوره‌های رونق درآمدها، اثبات توانایی دولت در خشنود ساختن گروه‌های مهم اجتماعی با پرداخت رشوه‌های نفتی، باید زمینه افزایش عمر رژیم‌ها را فراهم کند، با وجود آن که نهادهای دولت رانتیر و ائتلاف‌های پیشتیبان آن، در چنین شرایطی ضعیف هستند.<sup>۴</sup>

ده سال پیش در کنفرانس «تأثیرات اقتصادی موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی بر کشورهای عربی و کشورهای خلیج فارس» دانشگاه کویت شاهزاده طلال بن عبدالعزیز، برادر پادشاه عربستان، وزیر دارایی سابق این کشور و رییس برنامه خلیج فارس برای حمایت از سازمان‌های توسعه‌ای سازمان ملل متحد، ضمن انتقاد از دولت‌های پیشین عربی و بی‌توجهی نسبت به عضویت در گات اظهار داشت «دولت‌های عربی تا مدت‌ها به مذاکرات گات بی‌توجه بودند گویی که این مذاکرات ربطی به آنها نداشت و یا اینکه بر منافعشان هیچ تأثیری برجای نمی‌گذاشت. کشورهای عربی هنگامی از خواب بیدار شدند که تحولات سریع جهانی در حال وقوع بود و خود را در وضعیتی یافتند که بسیاری از امتیازات قابل رقابت خویش را از دست داده بودند. این مسئله تاجایی رسید که در سایه آزادسازی تجارت جهانی و از دست دادن بازارهای خارجی، بازارهای داخلی خود را نیز از دست دادند»<sup>۵</sup>

در یک دهه گذشته دبی الگوی توسعه اقتصادی را در پیش گرفته که مبتنی بر حمایت از کسب و کار، لیبرالیسم اقتصادی، بازار آزاد و پذیرش جهانی شدن بود. درحالیکه در همان زمان این کشور از چالش‌های ساختار رهبری سنتی نئو موروثی در کشور اجتناب می‌ورزید. الگوی دبی با آنچه در دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می‌گذشت

بسیار متفاوت بود، اما با توجه به اظهارات مقامات این کشورها و طرح‌های توسعه در دست اجرا و اقدامات جاری اینگونه به نظر می‌رسد که این کشورها از «الگوی دبی» در توسعه پیروی می‌کنند. این مقاله به تحلیل این مدعا می‌پردازد که الگوی دبی جایگزین مدل دولت رانتیر شده است، مدلی که همواره در میان کشورهای خلیج فارس متداول بوده است.<sup>۶</sup>

محور اصلی طرح‌های همگرایی اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس این است که منابع نفتی دائمی نیست و اقتصادهای منطقه برای تداوم رشد خود در دراز مدت باید متنوع شوند.

برای انطباق کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با الگوی اقتصاد تولیدمحور<sup>(۱)</sup> سه مسئله مطرح است: ۱- این دولت‌ها در چه سطحی، دولت سهمیه‌گرا<sup>(۲)</sup> به شمار می‌آیند؟

۲- کشورهای GCC در چه موقعیتی می‌توانند اصلاحات اقتصادی انجام دهند؟

۳- وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی آنها چگونه است؟

برای طی روند توسعه اقتصادی در کشورهای هدف ضروری است مفهوم دولت سهمیه‌گرا را تبیین نماییم. گیاکومو لوسیانی دولت سهمیه‌گرا را این گونه تعریف می‌کند «دولت سهمیه‌گرا عمده درآمدش را از نفت و سایر منابع (پایان‌پذیر) کسب می‌کند و مخارجش با درصد عمده‌ای از GDP کشورش برابری می‌کند»<sup>۷</sup>. نمودار شماره یک نماینگر میزان درآمد حاصل از نفت در میان کشورهای خلیج فارس است.

نمودار ۱: نفت، درصدی از شاخص‌های اقتصادی کشورهای خلیج فارس<sup>۸</sup>

کشور	درآمدهای حاصل از صادرات	درآمدهای دولتی	میزان رشد اقتصادی
بحرین	۶۰	۷۰	۱۱
کویت	۹۵	۸۰	۵۰
عمان		۶۲	۴۵
قطر	۸۵	۷۰	۶۰
عربستان سعودی	۹۰	۷۵	۴۵
امارات متحده عربی	۴۵	۷۰	۲۵

*The Middle East and North Africa Handbook*, 2008 Vol. 54 (London: Europa Publications, 2007)

دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس علاوه بر درآمدهای مستقیم از محل فروش نفت و گاز، در بودجه ملی خود سهمی را قائل می‌شوند که از منافع حاصل از سرمایه‌گذاری بدست می‌آید. صندوق ذخیره کویت برای نسل‌های آینده<sup>(۱)</sup> که ده درصد از درآمدهای سالیانه از فروش نفت و گاز را در خود جای می‌دهد، تنها یکی از سازوکارهای دولت‌های GCC است که مالک صندوق‌های اعتبار و ثروت هستند. این صندوق در جنگ خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱) صدمیلیون دلار اعتبار داشت.<sup>۹</sup> این اعتبارات مالی سبب جمع‌آوری سرمایه‌های کلانی در خارج از این کشورها شده است. نمودار شمار دو نگاهی به کل دارایی این کشورها دارد.

نمودار ۲: برآورد کل دارایی‌های خارجی (بر مبنای میلیون دلار، تا پایان ۲۰۰۶)

بحرین	کویت	عمان	قطر	عربستان سعودی	امارات	جمع
۲۰	۴۰۰	۱۰	۷۰	۴۵۰	۶۰۰	۱۵۵۰

IIF, Tracking GCC Petrodollars, p. 3

به این ترتیب اقتصاد رانتهی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس این دولت‌ها را سهمیه‌گرا کرده است، به طوری که بیش از ۷۰ درصد درآمد دولت از صادرات نفت حاصل

1. Kuwait's Reserve Fund for Futute Generations

می‌شود. همانطور که نمودار بالا نمایان ساخت، علاوه بر درآمدهای مسقیم از محل فروش نفت و گاز عربستان سعودی، کویت و امارات نیز دارایی کلانی ذخیره کرده‌اند. علاوه بر این نگاهی به ذخایر نفت خام جاری در جهان نیز می‌تواند ظرفیت اعتبارآفرینی این رانت برای دولت‌های شورای خلیج فارس را بازنمایی کند. نمودار ۳ گویای این آمار است.

نمودار ۳: نمودار ذخایر نفت خام جاری جهان (در میلیون شبکه)

رتبه در سال ۲۰۰۰	کمپانی	ذخایر	رتبه در سال ۲۰۰۶	کمپانی	ذخایر
۱	Saudi Armaco	۲۵۹/۲۰۰	۱	Saudi Aramco	۲۶۴/۲۰۰
۲	Iraq National oil company (INOC)	۱۱۲/۵۰۰	۲	(NIOC)	۱۳۷/۵۰۰
۳	Kuwait Petroleum copporation (KPC)	۹۶/۵۰۰	۳	(INOC)	۱۱۵/۰۰۰
۴	National iranian oil company (NIOC)	۸۷/۹۹۳	۴	(KPC)	۱۰۱/۰۰۰
۵	Petroleosde venezuela (PDV)	۷۶/۸۵۲	۵	(PDV)	۷۹/۰۰۰
۶	Abu Dhabi National oil company (ADNOC)	۵۰/۷۱۰	۶	(ADNOC)	۵۶/۹۲۰
۷	Pemy (Mexico)	۲۸/۴۰۰	۷	Libya Noc	۳۳/۲۳۵
۸	Libya Noc	۲۳/۶۰۰	۸	(NNPC)	۲۱/۵۴۰
۹	Nigerian National petroleum corporation (NNPC)	۱۳/۵۰۰	۹	Lukoil (Rassia)	۱۶/۱۱۴
۱۰	Lukoil (Rassia)	۱۱/۴۳۲	۱۰	Qatar Petroleum (QP)	۱۵/۲۰۰

Energy Intelligence, "Top 100: Ranking the World's Oil Companies, 2007 and 2001."

### اصلاحات اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس

منظور از اصلاحات اقتصادی در محدوده شورای همکاری خلیج فارس، انتقال وضعیت سهمیه‌گرایی این دولت‌ها به تولید محوری است. روند اصلاحات اقتصادی معمولاً بلندمدت بوده و با برخی موانع سیاسی نیز روبروست. اشتغال‌زایی، حمایت از بخش خصوصی و

سرمایه‌گذاری، پرداخت وام‌های شفاف، رویه‌های ساختار تصمیم‌گیری کارآمد و کاهش تعرفه‌ها، دولت‌های GCC را با برخی چالش‌ها مواجه خواهد کرد. انجام این اقدامات مستلزم لیبرالیزاسیون، خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصاد است. در این بخش برای ارائه شاخص‌های اقتصاد تولید محور به دو عامل میزان تجارت یا کسب و کار<sup>(۱)</sup> و رقابت‌پذیری جهانی<sup>(۲)</sup> اشاره می‌شود.

یکی از مهمترین نیروهای ادغام‌کننده اقتصاد جهانی تجارت فرامرزی است. فشار بر فرآیند ادغام اقتصادی (جهانی شدن) طی دو دهه گذشته به وسیله توسعه تکنولوژی، تغییر در ساختار بازارها و ظهور شرکت‌های فراملیتی زیاد شده است. که بخشی از این موارد خود نتیجه افزایش تجارت در جهان است.

در نمودار شماره ۴ از رتبه‌بندی بانک جهانی بر مبنای میزان کسب و کار و تجارت در میان ۱۸۳ کشور استفاده شده است.

#### نمودار ۴: تغییرات در رتبه‌بندی کشورهای خلیج فارس

(در کسب و کار (DB) از سال ۲۰۱۰-۲۰۰۶)

کشور	۲۰۰۶ DB	۲۰۰۷ DB	۲۰۰۸ DB	۲۰۰۹ DB	۲۰۱۰ DB
عربستان سعودی	۳۵	۳۸	۲۳	۱۶	۱۳
بحرین				۱۸	۲۰
امارات متحده عربی	۶۸	۷۷	۶۸	۴۶	۳۳
قطر				۳۷	۳۹
کویت	۴۰	۴۶	۴۰	۵۲	۶۱
عمان	۵۲	۵۵	۴۹	۵۷	۶۵

World Bank, Doing Business 2010: Reforming through Difficult Times. Comparing Regulation in 183 Economies (Washington, DC: The International Bank for Reconstruction and Development (IBRD))

1. Doing business
2. Global Competitiveness

طبق گزارش بانک جهانی در رتبه‌بندی کشورها بر اساس میزان کسب و کار و تجارت کشور ایسلند در مرتبه ۱۴، ژاپن ۱۵، سوئد ۱۸، کره جنوبی ۱۹، آفریقای جنوبی ۳۴، یونان ۴۰، لوگزامبورگ ۶۴ و رواندا ۶۷ قرار دارند. طبق نمودار بالا عربستان و بحرین در میزان تجارت خود رشد صعودی داشته و کویت و عمان چندان موفق عمل نکرده‌اند. نکته دیگر مشاهده رتبه تونس در جایگاه ۶۹، رژیم صهیونیستی در مرتبه ۲۹ و یمن در رتبه ۹۹ است.<sup>۱۰</sup> به این ترتیب در منطقه خاورمیانه به استثنای رژیم صهیونیستی دیگر کشورهای خلیج فارس در جایگاه خوبی قرار گرفته‌اند.

بانک جهانی در گزارش سال ۲۰۱۰ خود اصلاحات اقتصادی را در پرتو چهار بستر امکان‌پذیر دانسته است:

۱۵۳

۱- سهولت در تجارت ۲- اعتبار بخشی ۳- ثبت سرمایه ۴- تجارت برون‌مرزی. از نظر بانک جهانی علاوه بر این موارد اصلاحات اساسی در سطح قانون‌گذاری و تعادل قدرت سیاسی نیز بسیار حایز اهمیت است.<sup>۱۱</sup> عربستان سعودی در پنج سال اخیر برنامه‌های اصلاحی را آغاز کرده است که معروف به ابتکار ده به ده<sup>(۱)</sup> است. این برنامه در سخنرانی سال ۲۰۰۶ ملک عبدالله تشریح شد. او متذکر شد «عربستان سعودی باید در سال ۲۰۱۰ جزو ده کشور برتر در ایجاد کسب و کار باشد... ابتکار ده به ده اصلاحات در حوزه چالش‌های بزرگ عربستان در حوزه اقتصاد از سال ۲۰۰۰ از جمله عدم ایجاد اشتغال، فقدان بخش خصوصی و تولیدات درآمدزا و شرایط پیوستن به سازمان تجارت جهانی را دربرمی‌گیرد.»<sup>۱۲</sup> این کشور در سال ۲۰۰۵ به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد.<sup>۱۳</sup> عربستان سعودی با وجود فقدان زیر بناهای متناسب سیاسی، در سال ۲۰۱۰ از رتبه ۳۵ به ۱۳ در میزان کسب و کار ارتقا یافت. اما برنامه اصلاحات عربستان سعودی تکه تکه و بصورت سطحی پیش می‌رود.

اندرو والتر در حالی که این گونه اصلاحات در عربستان را امری بی‌فایده می‌داند کاذب دانسته و معتقد است پذیرشی توخالی از سوی رهبران عربستان برای انجام اصلاحات

1. 10 by 10 initiative

بروز نموده است، این مقامات ضمن آنکه در رفتار خود اختلافات نهفته بسیاری با این شاخص‌های جهانی دارند، تظاهر به قبول استانداردهای بین‌المللی می‌کنند.<sup>۱۴</sup> تحولات اخیر خاورمیانه و موج جنبش‌های اجتماعی در این منطقه نشانی سطحی از عدم تناسب اصلاحات اقتصادی با اصلاحات سیاسی در این جوامع است.

رقابت‌پذیری جهانی دیگر شاخص در فهم اقتصاد تولید محور است. در عصر جدید رقابت‌پذیری دغدغه اکثر دولت‌ها و شرکت‌ها است. به صورت سنتی هدف از رقابت، تسلط بر بازار، توسعه و رشد سودآوری بوده است ولی امروزه هدف از رقابت به رضایت مشتری، بهبود کیفیت زندگی و توسعه بلندمدت اجتماعی تبدیل شده و هدف‌های سنتی به تدریج مبدل به ابزار شده‌اند.<sup>۱۵</sup> امروزه توسعه اجتماعی نیازمند ایجاد ثروت است که این امر به رشد اقتصادی در فضای رقابتی وابسته است. توسعه اقتصادی در بلندمدت بدون بهبود متوازن روز افزون شرایط اجتماعی غیر ممکن شده است.

اجلاس جهانی اقتصاد رقابت‌پذیری را مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی می‌داند که سطح تولید یک کشور را مشخص می‌کند.<sup>۱۶</sup> بر مبنای شاخص‌های این نهاد بین‌المللی ۱۱ عامل در برآورد رقابت‌پذیری کشورها لحاظ می‌شود که شامل نهادها، تأسیسات زیربنایی، فضای اقتصاد کلان، بهداشت و آموزش‌های اولیه، آموزش عالی، قابلیت بازار کالا، توسعه بازار کار، آمادگی فنی، حجم بازار، ظرفیت‌های تجاری و ابداعات است.

در آخرین گزارش اجلاس جهانی اقتصاد از وضعیت رقابت‌پذیری کشورهای جهان در میان ۱۳۹ کشور به ترتیب سوئیس، سوئد، سنگاپور، ایالات متحده آمریکا و آلمان جزو پنج اقتصاد بزرگ رقابت‌پذیر جهان بوده‌اند. در همین گزارش بلژیک در جایگاه ۱۹، نیوزیلند ۲۳، چین ۲۷، شیلی ۳۰ و تایلند ۳۸ بوده‌اند.<sup>۱۷</sup> وضعیت کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در رقابت‌پذیری طبق نمودار شماره ۴ ارائه شده است.

نمودار ۵: تغییرات در رتبه‌بندی کشورهای خلیج فارس، شاخص رقابت جهانی (GCI) (۲۰۰۶-۲۰۱۱)

رتبه GCI ۲۰۱۰-۲۰۱۱	رتبه GCI ۲۰۰۹-۱۰	رتبه GCI ۲۰۰۸-۹	رتبه GCI ۲۰۰۷-۸	رتبه GCI ۲۰۰۶-۷	کشور
۱۷	۲۲	۲۶	۳۱	۳۸	قطر
۲۱	۲۸	۲۷	۳۵		عربستان سعودی
۲۵	۲۳	۳۱	۳۷	۳۲	امارات متحده عربی
۳۴	۴۱	۳۸	۴۲		عمان
۳۵	۳۹	۳۵	۳۰	۴۴	کویت
۳۷	۳۸	۳۷	۴۳	۴۹	بحرین

World Economic Forum, The Global Competitiveness Report 2010-2011 (Geneva, Switzerland: World Economic Forum, 2010), Table 4, p. 15

مطابق آمار، پنج کشور از شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۱ وضعیت بهتری نسبت به سال ۲۰۰۶ داشته‌اند. طبق اسناد منتشره از سوی اجلاس جهانی اقتصاد این پیشرفت‌ها در اثر اصلاحات در حوزه محیط‌زیست، سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی، تنوع اقتصادی، مبارزه با تورم و تقویت نظام آموزشی این کشورها حاصل شده است.<sup>۱۸</sup> اما آنچه پیچیدگی اصلاحات در کشورهای خلیج فارس را نمایان می‌سازد، تدقیق در وضعیت کلیه شاخص‌های رقابت‌پذیری جهانی در این کشورهاست. نمودار ۵ به خوبی این شکاف‌ها را نشان می‌دهد.

نمودار ۶: رتبه‌بندی کشورهای خلیج فارس در ۱۲ ستون از شاخص رقابت جهانی (۲۰۱۰-۲۰۱۱)

عوامل ابتکاری		عوامل کنترل کارایی						شروط بنیادین					
ابداعات	ظرفیت‌های تجاری	حجم بازار	آمادگی فنی	توسعه بازار کار	قابلیت بازار کار	قابلیت بازار کالا	آموزش عالی	بهداشت و آموزش‌های اولیه	فضای اقتصادی کلان	تأسیسات زیربنایی	نهادها	رتبه کل	کشور
۲۳	۲۱	۶۶	۳۶	۱۹	۱۴	۱۲	۳۲	۱۵	۸	۲۵	۱۰	۱۷	قطر
۲۸	۱۹	۲۲	۴۲	۲۲	۶۶	۱۰	۵۱	۴۷	۲۲	۲۸	۲۱	۲۱	عربستان سعودی
۳۰	۲۲	۵۱	۱۴	۳۳	۲۶	۶	۳۶	۳۸	۱۲	۳	۲۰	۲۵	امارات متحده عربی
۴۷	۴۵	۷۳	۵۹	۳۰	۳۶	۲۵	۶۳	۹۹	۳	۳۳	۱۶	۳۴	عمان
۷۶	۵۸	۵۹	۷۷	۶۳	۶۴	۵۴	۸۳	۶۸	۲	۶۰	۴۶	۳۵	کویت
۵۹	۵۵	۹۸	۲۷	۲۰	۲۸	۹	۴۴	۳۶	۱۱	۲۷	۲۷	۳۷	بحرین
۲	۴	۳۶	۷	۸	۲	۴	۴	۷	۵	۶	۷	۱	سوئیس

World Economic Forum, The Global Competitiveness Report 2010–2011, data extracted from the profile of each country.

مطابق آمار قطر در نهادسازی بسیار قوی بوده اما در کسب و کار عملکرد ضعیفی داشته است. عربستان سعودی در نظام آموزشی، رقابت خارجی و حجم بازار مالی ضعیف بوده و حتی دارای قوانین کاری محدودکننده و فقر اخلاق کاری در میان نیروی کار داخلی است. امارات متحده عربی در نهاد سازی، تأسیسات زیربنایی و ثبات اقتصاد کلان قوی ولی در نظام آموزش و ابداعات ضعیف می‌باشد. عمان از فضای نهادی و ثبات اقتصاد کلان مناسبی برخوردار است اما در نظام آموزشی دستاوردهای اندکی دارد. کویت در نهادسازی، زیرساخت‌ها و نظام آموزشی بسیار ضعیف بود با این حال وضعیت اقتصاد کلان آن مناسب است. بحرین نیز از ثبات اقتصاد خرد مناسب، زیرساخت‌های قابل قبول، نظام

بهداشت عمومی، سیستم آموزش ابتدایی و بازار مالی خوبی در منطقه برخوردار است اما در آموزش عالی، ابداعات و ظرافت‌های تجاری بسیار ضعیف می‌باشد.

گزارش رقابت‌پذیر دنیان عرب در سال ۲۰۰۷ نیز تأکید اصلی خود را برای رشد همگام با توسعه در این کشورها بر دو عامل اصلاحات آموزشی و تحقیقات و توسعه (R&D) گذاشته بود.<sup>۱۹</sup> به این ترتیب همچنان در بسترهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی حوزه خلیج فارس مانع بزرگ تحقق کلیه اهداف برنامه‌های اقتصادی است.

همانطور که پیش‌تر آمد برای اقتصاد تولید محور با حجم سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی (FDI)<sup>(۱)</sup> متغیری تعیین‌کننده لحاظ می‌شود. در دنیای امروز رشد در صورتی می‌تواند دوام یابد که کشورها بتوانند فعالیت‌های دارای ارزش افزوده بالاتر و جدیدتر را گسترش دهند و به تولید کالاها و خدماتی مبادرت کنند که به صورت مستمر موقعیت آنان را در یک بازار رقابتی حفظ کند.

امروز بیشتر کشورهای در حال توسعه، FDI را کانال مهمی برای به دست آوردن منابع مورد نیاز برای توسعه برمی‌شمارند. ولی تأثیر اقتصادی آن را نمی‌توان به طور دقیق اندازه‌گیری کرد، زیرا هر شرکت فراملیتی معرف مجموعه پیچیده‌ای از بنگاه‌هاست که از نظر کمی و کیفی به نسبت متفاوت در کشورهای دنیا پراکنده‌اند.<sup>۲۰</sup>

### نقش سرمایه‌گذاری خارجی در رشد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در جذب سرمایه‌گذاری خارجی تجربیات گوناگونی داشته‌اند. نمودار شماره ۷ آمار مناسبی در این باره ارائه می‌کند.

سرمایه‌گذاری در صنعت نفت این منطقه یکی دیگر از سطوح سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. آنچه اهمیت دارد این است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورها نتوانست بخش خصوصی قدرتمندی را ایجاد کند. اما عربستان و امارات متحده عربی تجربه بهتری داشته‌اند. نگاهی به نمودار شماره ۸ گویای این مسئله است.

1. Foreign Direct Investment



## نتیجه‌گیری

رشد اقتصادی کشورهای برخوردار از درآمدهای کلان از فروش منابع زیرزمینی تابعی از مختصات اقتصاد واقعی نیست. برخی محققان از مفهوم «مصیبت منابع» نام می‌برند که نشان می‌دهند چگونه کشورهای برخوردار از منابع طبیعی رشد اقتصادی کندتری نسبت به کشورهای فقیر در این منابع دارند.<sup>۲۱</sup> در سال‌های اخیر عربستان سعودی و برخی کشورهای GCC به فرآیند سرمایه‌گذاری در پتروشیمی یا بانکداری و گردشگری پیوسته‌اند. دبی در این زمینه پیشتاز بوده است. با رشد سریع جمعیت منطقه خلیج فارس، امیدواری نسبت به افزایش استانداردهای زندگی و آموزش بیشتر می‌شود. تجربه دبی در این زمینه روشن است. اما با فقدان تنوع بخشی به اقتصادی و دریافت درآمدهای کلان نفتی ساختار دولت رانتیر همچنان باقی خواهد ماند و تقاضا برای تغییرات در ساختارهای تصمیم‌گیری و اجتماعی بی‌پاسخ خواهد ماند. در این مقاله بهره‌مندی از اقتصاد تولید محور راه حل برون رفت از تنگناهای پیش روی دولت‌های سهمیه‌گرای شورای همکاری خلیج فارس محسوب می‌شود. اما میزان موفقیت این کشورها در پیشبرد آن به‌جز مواردی همچون کشور دبی چندان رضایت‌بخش نبوده است. شاخص‌های جهانی رقابت‌پذیری نشان از رشد ناهمگون در سطوح گوناگون اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و سیاسی این کشورهاست. برنامه اصلاحات اقتصادی در این کشورها و دستیابی به اقتصاد تولید محور بدون فرصت‌سازی به طبقات اجتماعی برای ورود به عرصه سیاسی و توانمندسازی آنها با آموزش‌های عالی امکان‌پذیر نمی‌باشد و سیمایی ناهمگون از کشوری رشدیافته با کمترین توسعه را عرضه خواهد کرد.

۱. الکس.ج. بلامی، جوامع امن و همسایگان، مترجمان: محمود یزدان فام و پریسا کریمی نیا، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۵ ص ۲۴۶
2. Hymayon A.Dar and Jophn R. Presley , ' *The Gulf Cooperation Council: A Slow Path to Integreation ?* The World Economy , 24(4) 2001, pp 11612-
3. Delacrox , Jacques , *The Distributives State in the World System*, Studies in Comparative International Development 15, 1980 , pp320-
4. Chaudhry, Kiren Aziz , *Economic Liberalization in Oil-Exporting State: Iraq and Saudi Arabia .in Privatization and Liberalization in the Middle East* ,ed Ilya Harik and Denis J.Sullivan . Bloomington : Indian University Press ,1992 ,pp245250-
۵. محمدی، شیدا، "تاثیرات اقتصادی موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی بر کشورهای عربی و کشورهای خلیج فارس"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱ ص ۳۰
6. Martin Hvidt , *Economic and Institutional Reforms in the Arab Gulf Countries*, Middle East Journal 65, No 1 , 2011 , p 85
7. Giacomo Luciani, "Allocation vs. Production States: A Theoretical Framework," in Giacomo Luciani, ed., *The Arab State* (London: Routledge, 1990). P75
8. *The Middle East and North Africa Handbook* 2008 Vol. 54 (London: Europa Publications, 2007)
9. Europa Publications, *The Middle East and North Africa Handbook* 2008, p. 689.
10. World Bank, *Doing Business 2010: Reforming through Difficult Times. Comparing Regulation in 183 Economies* (Washington, DC: The International Bank for Reconstruction and Development (IBRD) p 4
11. Ibid, p 5
12. Tim Niblock and Monica Malik, *The Political Economy of Saudi Arabia* (London: Routledge, 2007), p. 173
13. [http://www.wto.org/english/thewto\\_e/acc\\_e/a1\\_arabie\\_saoudite\\_e.htm](http://www.wto.org/english/thewto_e/acc_e/a1_arabie_saoudite_e.htm)
14. Andrew Walter, *Governing Finance: East Asia's Adoption of International Standards* (Ithaca, NY: Cornell University Press, 2008), p. 5.
۱۵. بهکیش، محمد مهدی، اقتصاد ایران در عصر جهانی شدن، نشر نی، ۱۳۸۱ ص ۱۰۲
16. World Economic Forum, *The Global Competitiveness Report 2008–2009* (Geneva, Switzerland: World Economic Forum, 2008), p. 3.
17. World Economic Forum, *The Global Competitiveness Report 2008–2009*, p. 30.
18. Ibid
19. World Economic Forum, *The Arab World Competitiveness Report* 2007, p. 16.
20. UNCTAD (1999) , *World Inestment Report* , " Foreign Direct Investment and the Challenge of Development " , Geneva
21. Kjetil Bjorvatn and Kjetil Selvik, "Destructive Competition: Factionalism and Rent-seeking in Iran," *World Development*, Vol. XX (2008) p. 1.